

نگاهی به تلاشها و راه حلها برای رفع مشکل



رؤیت هلال

رضا مختاری

تاکنون تلاشها و کوششهای فردی و جمعی در ایران و غیر آن برای رفع مشکل اختلافها و دودستگیها در حلول ماههای قمری و آثار ناشی از آن صورت پذیرفته است. پاره ای از این تلاشها و نیز منشأهای اختلاف را ذکر می کنم و به این نکته می پردازم که چرا تاکنون این فعالیتها ثمره چندانی نداشته و مشکل همچنان پابرجاست. همچنین در پایان به پاره ای راه حلها اشاره می کنم. بیفزایم کوششهایی که برای حل مشکل حج صورت گرفته است در باب پنجم به تفصیل ذکر کرده ام.

تلاشها

الف) تلاشهای فردی

تاکنون عالمان شیعه و غیر شیعه برای رفع این مشکل تلاشهایی کرده اند که از جمله آنها عالم بیدار دورانیش و مصلح زمان شناس امام موسی صدر است. ایشان (که خدایش بازگرداند) با عالمان مسلمان در این باره گفت و گو و مکاتبه

می‌کرد. از جمله در نامه‌ای به شیخ حسن خالد مفتی لبنان به تاریخ ۱۳۴۸/۳/۲ ش، می‌نویسد:

«... در این روزهای دشواری که امت اسلامی در نگرانی و اضطراب به سر می‌برد و حال و آینده همه منطقه در معرض تندبادی ویرانگر قرار گرفته است، بیش از هر وقت دیگری ضرورت وحدتی فراگیر و عمیق ... احساس می‌شود... از این فرصت استفاده می‌کنم و اندک تجربه خود را در این زمینه پیش روی شما قرار می‌دهم، همان‌که پیشتر نیز در نخستین دیدارمان در مرکز اسلامی افتاء از آن سخن گفتم. ریشه‌دار کردن وحدت اسلامی از دو راه شدنی است: ۱. وحدت فقهی ... ، ۲. کوششهای جمعی. این راه در تلاشهای مشترکی نمود می‌یابد که برای تحقق اهداف خاص دینی و اجتماعی صورت می‌گیرد... به عنوان نمونه برخی از این اهداف را یادآور می‌شوم:

۱. اهداف کاملاً دینی، مانند وحدت عیدها و شعائر دینی و یکی شدن الفاظ برخی از عبادتها مانند اذان و نماز جماعت. می‌توان برای به دست آوردن طلوع ماه نو در افق به روشهای نوی علمی اعتماد کرد تا روز عید فطر به دقت معلوم شود و مسلمانان جهان بتوانند روز واحدی را به عنوان عید گرامی بدارند و به راحتی بتوانند از پیش برای این روز برنامه‌ریزی کنند. همچنین می‌توان برای اذان الفاظی را در نظر گرفت که مورد پذیرش همگان باشد.»^۱

۱. هفت آسمان، شماره ۷، ص ۱۳۰-۱۳۳، «تقریب مذاهب اسلامی، گامی به پیش».

امام موسی صدر این پیشنهاد را در مجمع البحوث الإسلامية نیز مطرح کرده و گفته است:

«یا باید این روش را بپذیریم و یا در جلسه ای مشترک به استماع رؤیتهای شهود پردازیم و درباره ثبوت هلال عید تصمیم مشترکی بگیریم.»

از جمله تلاشهای فردی عالمان اهل سنت نوشتن کتابها، رساله ها و مقاله هایی در این زمینه است مانند:

۱. دانشمند مغربی حافظ غماری، ابوالفیض احمد بن محمد بن صدیق (م ۱۳۸۰) - که تمایلات عارفانه و صوفیانه داشته و ضد وهابیت و در ردّ ابن تیمه کتاب نوشته است و از جمله آثار اوست: فتح الملك العلي بصحة حديث «باب مدينة العلم علي» - کتابی بدین منظور تألیف کرده است به نام توجیه الأنظار لتوحيد المسلمين في الصوم والإفطار که سالها پیش در مصر و سپس در اردن چاپ شده است. او در این کتاب تمام توان خود را به کار برده است تا برای رفع اختلاف در آغاز ماههای قمری، عدم اشتراط آفاق را - مانند آیه الله خوئی (ره) البته با اندکی تفاوت - اثبات کند. نیز قول هیوی و منجم را با شرایطی پذیرفته است. اتفاقاً پاره ای از استدلالهای وی شبیه مرحوم آیه الله خوئی است از جمله:

«... و أمّا الهلال فليس له إلا وقت واحد وهو الوقت العام، فإذا تكوّن هلالاً ورنه في قطر فقد سمّي شهراً في الدنيا كلها، لا في ذلك القطر وحده.»^۲

۲. دکتر یوسف مروّه در ماه رمضان ۱۳۸۷، طی نامه ای خطاب به آیه الله سید محسن حکیم در نجف، امام موسی صدر در صور لبنان، شیخ حسن

مأمون شیخ دانشگاه ازهر در قاهره و شیخ حسن خالد مفتی لبنان برای حل این مشکل پیشنهادی ارائه داد و خواستار اعتماد بیشتر به دستاوردهای علمی جدید شد؛ ولی از این پیشنهاد هم نتیجه‌ای عاید نشد.^۳

وی طرح دیگری نیز ارائه کرده که در روزنامه‌ی البلاد، مورخ ششم کانون اوّل سال ۱۹۹۹م منتشر شده است. همچنین فرمی برای ثبت مشخصات رؤیت و شهادت شهود آن تنظیم کرده که همان روزنامه نیز منتشر کرده است.

۳. محمد طنطاوی، شیخ ازهر و مفتی سابق مصر در سال ۱۹۹۳م گفته است: به مسؤولان دولت سعودی نامه‌ای نوشتم و در آن پیشنهاد کردم که در مکه مکرمه یا در مدینه منوره، زیر نظر عالمان دین و متخصصان فلک و نجوم رصدخانه‌ای تأسیس شود و سخن این رصدخانه در باب تعیین تکلیف اوّل و آخر ماههای قمری - به خصوص ماه رمضان - سخن نهائی و فصل الخطاب باشد.^۴

۴. دکتر محمد عبداللطیف صالح فرفور در دمشق نیز به سال ۱۴۰۵، به منظور ارائه به کنگره سال ۱۴۰۶ مجمع الفقه الاسلامی در جدّه، رساله‌ی مبسوطی نوشت به نام بلغة المطالع في بيان الحساب والمطالع. وی در این رساله به دو موضوع پرداخته است: اختلاف و اتحاد آفاق و اعتماد به قول فلکی. نویسنده کره زمین را به سه منطقه تقسیم کرده و رؤیت در هر نقطه از این سه منطقه را فقط برای همان منطقه کافی می‌داند نه دو منطقه دیگر. همچنین قول فلکی را برای اثبات رؤیت معتبر دانسته است. فرفور در این اثر نامه دکتر یوسف مروّه خطاب به عده‌ای از علما از جمله آیه‌الله سید محسن حکیم (ره) به سال ۱۳۸۷ را - که قبلاً به آن اشاره شد - درج کرده است. متن این نامه بدین قرار است:

۳. روزنامه‌ی السفير، ۱۶/۱/۱۹۹۸.

۴. الوسط، شماره ۵۶، مورخ ۲۲/۲/۱۹۹۳م.

«... والملاحظ يا صاحب السماحة أنّ المسلمين، و على رأسهم رجال الدين في هذا العصر، يُقدمون على استخدام جميع وسائل و مخترعات و مكتشفات العلم الحديث بدون أيّ خشية أو تحقّظ من أنّ هذه الوسائل والمخترعات قد تكون خاطئة في المهامّ الحياتية التي تُستخدم لأجلها، فنحن نستخدم السيّارة والهاتف والبرق، والمذياع والتلفزيون إلخ... كوسائل صالحة و صادقة في النقل والمواصلات والاتّصالات، ونستعمل العدسات المحدّبة والمقعرة في توضيح الرؤيا، ولكن ما بال رجال الدين لا يقبلون على استخدام المرقب الفلكي (التلسكوب) في إثبات هلاكي رمضان و شوال المباركين؟

إنّ الجمعية اللبنانية للأبحاث العلمية تقترح على دار الإفتاء، في كلّ بلد إسلامي شراء تلسكوب فلكي من الحجم المتوسط، حيث ينصب في دار الإفتاء، وبواسطته يمكن لسماحتكم ولجميع رجال الدين أن يستخدموه في هذه المناسبات الدينية وسواها، التي يكثر فيها الخلاف بين المسلمين حول إثبات الأهلّة، فالبعض يرى الهلال والبعض الآخر لا يراه، وجماعة تظفر و أخرى تبقى صائمة، ولكلّ جماعة مقاييسها في هذا الموضوع. فهذا لا يجوز بعد اليوم في ديار المسلمين، و لا ننسى بأنّ علماء المسلمين هم أوّل من استخدم المرقب (الأسطرلاب) أيّام ازدهار الدول الإسلامية، ولم ير هؤلاء العلماء الأوائل أيّ ضرر في استخدام وسيلة علمية للرؤيا إذا كانت السماء ملبّدة الغيوم، إذ من المعروف أنّ شهر الصيام المبارك يصادف أثناء فصل الشتاء في بعض

السنوات و لا يمكن لعين المجردة أن ترصد الهلال، فما المانع إذاً من استخدام المرقب كوسيلة للرصد والرؤيا؟ إنَّ علم الفلك يؤكِّد وجود فوارق زمنية مختلفة بين بلد و آخر، حسب الموقع الجغرافي لكلِّ بلد بالنسبة لخطوط الطول الجغرافية. و بما أنَّ العالم الإسلامي شاسع واسع يمتدُّ من أندونيسيا شرقي جنوب آسيا إلى المغرب شمال غرب أفريقيا، أي على ١٦٠ خطاً من خطوط الطول الأرضية؛ إذ أنَّ حدود جُزُر اندونيسيا هي خطُّ الطول ١٤٢ درجة شرقاً، و حدود البلاد الإسلامية الأفريقية ١٨ درجة غرباً؛ لذلك لا بدَّ من تقسيم العالم الإسلامي إلى ثلاث مجموعات جغرافية، الأولى تقع بين خطِّي الطول ٣٠ درجة شرقاً و ٢٠ درجة غرباً و تضمّ: ليبيا و تونس و الجزائر و المغرب و موريتانيا و مالي و النيجر و التشاد و نيجيريا و الكامرون و الداهومي و غانا و غينيا و شاطئ العاج و السنغال و ليبيريا و سيراليون و جميع البلدان الواقعة بين هذين الخطَّين.

و الثانية تقع بين خطِّي ٣٠ درجة شرقاً و ٨٠ درجة شرقاً و هي تضمّ: مصر و السودان و الصومال و تنزانيا و السعودية و اليمن و لبنان و سوريا و العراق و الكويت و بلدان الخليج و إيران و تركيا و أفغانستان الغربية و قسم من الهند.

و الثالثة تقع بين خطِّي طول ٨٠ درجة شرقاً و ١٤٠ درجة شرقاً و تضمّ الباكستان الشرقية و بورما و تايلاند و الصين و ماليزيا و أندونيسيا.

ولا يمكن حسب مقتضيات علم الفلك و الفيزياء الفلكية أن يولدَ هلال رمضان المبارك أو سواه من الأهلة في جميع هذه

البلدان في آن واحد، و لذلك فالقاعدة الشرعية يجب أن تكون كما يلي: «إذا ولد الهلال في بلد، لا يعني ذلك بالحثم والضرورة ولادته في جميع البلدان» وليس كما هو متبع اليوم لدى الكثير من رجال الفقه الذين يتمشون على القاعدة القائلة:

إذا ولد الهلال في بلد فهو مولود في جميع البلدان».

لذلك أترح على سماحتكم أن تبدووا أولاً باتباع الطريقة العلمية العقلية، و توحّدوا الوسائل في بلدكم، و من ثمّ تنطلقون لتنظيم العالم الإسلامي بأسره على نفس الأسس العلمية.

والجمعية اللبنانية للأبحاث العلمية على استعداد لإعطاء دروس نظرية وعملية للسادة رجال الدين على كيفية استخدام المرقب الفلكي، و طرق الحساب والمقاييس المتبعة في علم الفلك التجريبي، حسب ما ورد في القرآن الكريم من دعوة للتفكير في أجرام الكون و نجومه وكواكبه بكل إخلاص و احترام و تقدير.

يوسف مروّ

مؤسس الجمعية اللبنانية للأبحاث العلمية^٥

٥. دكتور ماجد ابورخيه از كسانی است كه در این باره تحقیق کرده و رساله ای نگاشته است با عنوان «إثبات هلال رمضان بين الرؤية البصرية والحسابات الفلكية» و طی آن سخن هیویان و منجمان را در باب رؤیت هلال در پاره ای از موارد پذیرفته است. این رساله در مجله الشريعة، سال ششم (١٤٠٩)، شماره ١٣، ص ٧٥-٤١٩ چاپ شده است.

٦. در سال ١٤٠٠ در قطر براساس شهادتِ خلاف واقع شهود، عيد فطر

اعلام، و سپس مسلم شد که آن روز عید نبوده است. از این رو مفتی قطر، عبدالله بن زید آل محمود رساله‌ای خطاب به علما و حاکمان مسلمان نوشت با نام *الحکم الشرعی فی اثبات رؤیة الهلال*، وی در آن از اعتماد بنی حساب بر شهود رؤیت مذمت کرده و معتقد است با دقت در رؤیت و نپذیرفتن هر شهادتی چنین مشکلاتی پیش نمی‌آید و در فرض اثبات رؤیت در نقطه‌ای برای سایر جاها نیز مطلقاً حلول ماه ثابت می‌شود، چه جاهای نزدیک چه دور:

«أرفع إلى العلماء الأعلام وإلى المحکّام الكرام وإلى قضاة شرع الإسلام هذه الرسالة الوجيزة التي تدعو إلى الحق وإلى طريق مستقیم؛ لأنّ من واجب العلماء التناصح في سبيل بيان الحق ... (ص ۵).

من شرط صحّة الشهادة المقبولة كونها تنفک عما یکذبها، فمتی شهد أحد برؤية الهلال ليلة الإثنين ثم لم يره جميع الناس ليلة الإثنين ولا ليلة الثلاثاء فإنّه من المعلوم قطعاً أنّ الشهادة كاذبة، أو أنّ الشاهد توهم رؤیة خيالية حسبها هلالاً ... (ص ۶).

... والغالب على دعوى رؤیة الهلال الكذب؛ لوقوع التوهم والتخیلات في الرؤیة. إنّنا متی أهملنا اليقینيات من هذه النصوص البينات فإننا لابدّ أن نقع في المتاهات والجهالات الناتج عنها سوء التصرف في الصوم والفطر، ومتی ساء التصرف ساء العمل وساء النتيجة، ثمّ نكون عرضةً للطعن علينا بعدم العمل بكتاب ربنا و سنّة نبينا ... (ص ۸).

فيا معشر علماء الإسلام ... فابنوا أمرکم في صومکم وفطرکم وحجکم على الثبّت والیقین الذي لا يعتریه الشکّ في حقيقة رؤیة الهلال في بلدکم، بشهادة عدد من العدول الثقات و اتركوا عنکم تناقل الأخبار من البلدان بأنّه رآه فلان و فلان ممّا

يُكذَّبُهُمَا الْحَسَّ وَالْوَاقِعَ مِنْ عَدَمِ رُؤْيَةِ النَّاسِ تِلْكَ اللَّيْلَةَ وَلَا
اللَّيْلَةَ الثَّانِيَةَ، مِمَّا يَدُلُّ عَلَى كَذْبِ تِلْكَ الشَّهَادَةِ ... وَمَتَى تَمَّ
الْعَمَلُ بِنِظَامِ مَا ذَكَرْنَا فَإِنَّا نَكُونُ عَامِلِينَ فِي صَوْمِنَا وَفَطْرِنَا عَلَى
الْيَقِينِ، وَيَتَرْتَّبُ عَلَى ذَلِكَ صَوْمُ جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ وَعِيْدُهُمْ
فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ كُلِّ عَامٍ ... (ص ٩).

إِنَّا بِحَاجَةِ مُلِحَةٍ إِلَى تَحْقِيقِ رُؤْيَةِ الْهَلَالِ بَعَيْنِ الْيَقِينِ، وَلَسْنَا
بِحَاجَةِ لِمُسَابَقَةِ نَشْرِ خَبَرِ الْهَلَالِ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ ...

وَالْمَقْصُودُ أَنَّ مَنشَأَ هَذَا الْاِخْتِلَافِ ... إِنَّمَا يَعُودُ إِلَى الثَّبَتِ فِي
الرُّؤْيَةِ وَعَدَمِهَا لَوْ قُوعَ مِنَ الرَّائِي لَا الْمُرْتِي ... (ص ١٢).

فَالْحَكْمُ الْمَطْلُوبُ هُوَ تَحْقِيقُ رُؤْيَةِ الشَّهْرِ لَا الْمُسَابَقَةَ إِلَى نَشْرِ
الْخَبَرِ، فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَقُودَ النَّاسَ إِلَى مِتَابَعَتِهِ فِي الصُّومِ وَالْفَطْرِ
عَلَى بَصِيرَةٍ مِنَ الْأَمْرِ، فَإِنَّهُ يَسْتَعْمَلُ الثَّبَتَ وَالْحَيْطَةَ فِي الرُّؤْيَةِ
الْمُحَقَّقَةِ الَّتِي تَشْهَدُ بِصَحَّتِهَا أَبْصَارَ النَّازِلِينَ ... مَعَ كَوْنِ
الْغَالِبِ عَلَى هَذِهِ الْأَقْوَالِ الْكُذْبُ ... وَ مِنْ شَرْطِ صِحَّةِ الشَّهَادَةِ
كَوْنِهَا تَنْفَكَ عَمَّا يُكذَّبُهَا، خُصُوصًا لِمَنْ يَتَصَدَّى لِإِصْدَارِ
الْحَكْمِ إِلَى جَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ فِي تَعْمِيمِ الصُّومِ وَالْفَطْرِ؛ فَإِنَّهُ
يَجِبُ أَنْ يَتَّقِيَ رَبَّهُ فِيمَا تَوَلَّاهُ، فَلَا يَحْمِلُ النَّاسَ فِي حُكْمِهِ
وَفَتْوَاهُ عَلَى صِيَامِ شَيْءٍ مِنْ شَعْبَانَ وَلَا فَطْرِ شَيْءٍ مِنْ رَمَضَانَ،
مَعَ الْعِلْمِ أَنَّ جَمِيعَ الدُّنْيَا قَدْ صَارَتْ فِي انْتِشَارِ أَخْبَارِهَا بِمِثَابَةِ
الْمَدِينَةِ الْوَاحِدَةِ ... بِحَيْثُ يَتَشَرُّ خَبَرُ الْحَكْمِ فِي الْهَلَالِ فِي
الدُّنْيَا كُلِّهَا فِي دَقَائِقِ أَوْ فِي سَاعَةٍ، هُوَ أَمْرٌ يَجِبُ قُوَّةُ الْعِزْمِ
وَالْأَخْذِ بِالْحِزْمِ ... (ص ١٨-١٩).

وی همچنین در این زمینه رساله دیگری به سال ۱۳۹۳، در پاسخ به
دعوت محمد سرور الصبّان دبیر کلّ رابطة العالم الإسلامي در مکه، نوشته

است با عنوان اجتماع أهل الإسلام على عيد واحد كل عام و بیان امر الهلال و ما یترتب علیه من الأحكام . رابطه العالم الإسلامي به دنبال مشکلات پدید آمده، رؤیت هلال را در دستور کار خود قرار داد و ظاهراً برای بحث در این زمینه نامه‌هایی خطاب به علمای مسلمان نوشت از جمله مفتی قطر . ولی ما فقط بر پاسخ وی وقوف یافتیم . مفتی قطر در این رساله نیز مانند رساله قبلی معتقد است که باید در امر شهادت شهود به رؤیت کاملاً دقت شود تا اختلافها مرتفع گردد . همچنین اتحاد آفاق را شرط نمی‌کند و رؤیت در یک نقطه را برای سایر نقاط کافی می‌داند . وی از وظیفه ساکنان نزدیک مناطق قطبی نیز به اختصار سخن گفته است . روشن است که آثار فقهی اهل سنت و از جمله این دو رساله در اتقان و تحقیق هرگز به پایه آثار فقهی فقهای شیعه نمی‌رسد و اساساً با آنها قابل قیاس نیست .

به هر حال ، نامه دبیر کل رابطه العالم الإسلامي به وی بدین شرح است :

«حضرة صاحب السماحة مفتي قطر الموقر

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته ، وبعد :

يسر الأمانة العامة لرابطة العالم الإسلامي أن ترجو من سماحتكم المساهمة في تحقيق هدف من أهدافها النبيلة التي ترمي إلى جمع الكلمة وتوحيد الصف والدعوة إلى التضامن في سبيل الحق وإعلاء كلمة الله .

ولقد وجدت الرابطة في اختلاف الأقطار الإسلامية على دخول شهر رمضان وثبوت الصيام، مثار نزاع شديد أدى إلى فرقة وخصومة في بعض البلدان الإسلامية، الأمر الذي يحز في النفوس وتآلم له القلوب التي تود للمسلمين أن تسود بينهم المحبة والألفة، فيكونوا عبادالله إخواناً يتسابقون في الخيرات ويسارعون إلى العبرات . ولقد فكرت الأمانة العامة في إيجاد

حل لجمع هذا الشتات الفكري والنزاع الفقهي الذي قد تطور آثاره إلى فرقة ياباها الضمير الإسلامي، فتقدمت إلى المجلس التأسيسي بتقرير حول هذا الموضوع و ما يترتب على ذلك من محاذير وأضرار. ولقد درس المجلس هذا التقرير و قرر ضرورة ضرورة استقصاء البحث في هذا الموضوع الهام من الوجهة الفقهية والأدلة الشرعية بشأن النقاط التالية:

الأولى: اختلاف المطالع، هل يعتبر أو لا يعتبر.

الثانية: ما ثبت به رؤية الهلال، هل يكفي خبر الواحد العدل أو لابد من نصاب الشهادة أو الاستفاضة، و هل الشهور كلها في ذلك سواء أو تختلف.

الثالثة: الحكم إذا كان بالسماء غيم قد يحول دون الرؤية.

الرابعة: رؤية الهلال نهاراً قبل الزوال أو بعده.

الخامسة: هل يجوز الاعتماد على الحساب الفلكي في ثبوت الهلال أو لا يجوز.

و غير ذلك من النقاط والبحوث، الأمر الذي يحتاج إلى دراسة مستفيضة فيه واختيار ما يرى من الأحكام محققاً للغرض مدعماً بالأدلة الشرعية، و لذلك قرار المجلس استمرار البحث في هذا الموضوع و عرضه في الدورة المقبلة لاجتماعه في منتصف شهر جمادى الثانية ١٣٩١ هجرية.

ونظراً لما لسماحتكم من مكانة علمية مرموقة وغيره دينية معروفة و حرص على توحيد الكلمة وجمع الشتات في ظل الأحكام الشرعية والتعاليم الاسلامية، فإن الأمانة العامة لترجو أن تلقى من سماحتكم دراسة مستوفاة حول هذه النقاط التي أشار إليها المجلس، حتى تتمكن بعد دراسة الآراء والبحوث

ظریفی می گفت: برای بی اعتبار کردن مذهب، هیچ چیز کارآمدتر از این نیست که در شهری مثل قم یا مشهد، عده ای نماز عید فطر بخوانند و عده ای روزه باشند. گروهی روزه را واجب بدانند و جمعی بساط چای و شیرینی و شربت بگسترانند. روشن است که حتی بدون اینکه شخص خاص یا تشکیلاتی در این بین مقصر باشد حنظل اختلاف چنین ثمره تلخی به بار می آورد.

من وضع قرار یتفق و أهداف الشریعة الإسلامیة و تعالیمها .
و تقوا یا صاحب السماحة أنکم بهذه المساهمة العلمیة تؤدون
رسالة إسلامیة لها أجرها العظیم و ثوابها الجزیل عند من
لا یضیع أجر من أحسن عملاً . و تقبلوا عظیم شکری و تحیتی
و احترامی .

محمد سرور الصبّان

الأمین العام لرابطة العالم الاسلامی

۱۴/۱۰/۹۰

مفتی قطر عبدالله بن زید آل محمود - چنان که گذشت - این رساله را در پاسخ به این دعوت تألیف کرده و ضمن آن نوشته است:

«إن کلّ اجتماع یعقده الزعماء والرؤساء وسائر المتدبّین
لعلاج الأوضاع وإصلاح الأحوال والأعمال، فإنّ مبدأ
حدیثهم یتناول البحث عن اختلاف المسلمین فی الأعیاد،
حیث یرکون عید بعضهم الیوم وبعضهم بعد یومین، والکلّ
مسلمون علی دین واحد، فهم یرون أنّ فی هذا الاختلاف نوع
مغمز لأعداء الإسلام، حیث یظنون أنّ المسلمین متفرقون فی
أصل الدین والعقیده، وأنهم لن یتفقوا أبداً، فالزعماء أعطوا

هذا البحث نوعاً من الاهتمام، يحبون اجتماع المسلمين على عيد واحد في يوم واحد يأمر بالاجتماع والتفاهق وينهى عن الاختلاف والافتراق... (ص ۳۵)

این رساله در ۴۶ صفحه، و رساله پیشین در ۳۰ صفحه چاپ شده است. ۷. دکتر امیرحسین حسن نیز در حلوان در این زمینه به سال ۱۴۱۸ رساله مفصلی نوشته است با نام الأدلة الشرعية في إثبات الشهور العربية بالحسابات الفلكية. وی در این رساله برای حل مشکل اختلاف، بر اعتماد بر قول و محاسبه هیوی تأکید ورزیده و به تفصیل از آن بحث کرده است و در باب سوم آن راه‌حلهایی را در این مسأله ارائه داده است. وی به مناسبت خطای چشم در رؤیت، می‌گوید: به منظور رؤیت هلال ماه رمضان، به سال ۱۹۹۱ در شهر اسوان با حدود ده نفر از متخصصان، بر بالاترین مثذنه شهر اسوان صعود کردیم و در جستجوی هلال بودیم. ناگهان پیرمردی فاضل و متدین که او را دوست دارم و به او احترام می‌گذارم گفت: من در افق چیزی می‌بینم. من گفتم: ولی من نمی‌بینم. و از همراهان پرسیدم، آنان هم چیزی ندیدند. پیرمرد بار دیگر بر گفته سابق خود تأکید کرد. من به او گفتم: آیا ممکن است تو به تنهایی هلال را رؤیت کنی، و ما نبینیم! وی گفت: من تیزیتم. گفتم: چشم تو از تلسکوپ قوی تر است! آنگاه با تلسکوپ نگاه کردم و دیدم تعدادی پرنده روبروی محل رصد در حال پروازند و شعاع شفق بر بال آنها منعکس شده و بال آنها به شکل چیزی نورانی درآمده است. آنگاه از همه حاضران خواستم آن پرندگان را در تلسکوپ مشاهده کنند و به گمانم اگر من حاضر نبودم پیرمرد برای رؤیت هلال! تکبیر می‌گفت و سپس دیگر حاضران تکبیر می‌گفتند. با اینکه هنوز هلال متولد نشده بود. ۶

نویسنده دربارهٔ اعتماد بر سخن فلکی می‌گوید:

«... فلا مناص لنا بعد الذي تقدّم من الاعتماد على الحساب الفلكي إن لم يكن لإثبات الشهر به بادئ ذي بدء، فلا إثبات أنّ رؤية الهلال ممكنة أو غير ممكنة فنقبل الشهادة برؤية من يشهد بذلك إن أقرّ علماء الفلك والحساب أنّها ممكنة مع عدم وجود المانع من غيم ونحوه، ولنردّ هذه الشهادة إن قرّروا أنّ الهلال يغرب قبل غروب الشمس أو بعدها بقليل بحيث تتعدّر رؤيته. وبهذا يُقضى على عوامل الاضطراب في إثباته، و تتوحد كلمة المسلمين في جميع أنحاء المعمورة بشأن إثبات الشهر العربيّة و تحديد أوائلها، و تحلّ تلك المشكلة المزمّنة و تزول أسباب التفرّق و الاختلاف.»^۷

وی در باب سوم رساله راه‌حل‌هایی ارائه داده است از جمله تدوین و نشر تقویم اسلامی یکسان و هماهنگ به وسیلهٔ سازمان کنفرانس اسلامی، و اعتماد بر آن که سالها پیش دکتر محمد الیاس در مالزی آن را پیشنهاد کرده است، و نیز برگزاری کنگره‌های سالانه با شرکت عالمان دینی و متخصصان هیئت و فلک و دست‌اندرکاران این موضوع.^۸

ب) تلاشهای جمعی

علاوه بر این تلاشهای فردی، کوششهایی جمعی نیز در نیم سدهٔ اخیر در این زمینه صورت گرفته است. از جمله - چنان که گذشت - رابطهٔ العالم الإسلامي در سال ۱۳۹۰ مقرر کرد که عمدهٔ دربارهٔ پنج محوری که در نامهٔ دبیر کل آن گذشت در جلسهٔ سال بعد رابطهٔ العالم الإسلامي در جمادی الآخرة سال

۷. همان، ص ۶۸.

۸. همان، ص ۷۰-۷۲.

۱۳۹۱ بحث شود تا به نتیجه ای مشخص دست یابند.

گردهماییها و کنگره های دیگری نیز در این موضوع برگزار شد از جمله «مؤتمر العلماء المسلمین»، به سال ۱۹۶۹م در مالزی، «مؤتمر تحدید أوائل الشهور القمرية»، به سال ۱۳۹۸ در اسلامبول، و کنگره ای که وزارت اوقات و شؤون دینی کویت برگزار کرد.

نیز کنگره مجمع الفقه الإسلامی وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی در دو دوره پی در پی در سالهای ۱۴۰۶/۱۹۸۵م در جدّه و ۱۴۰۷/۱۹۸۶م در عمان پایتخت اردن موضوع یکسان سازی آغاز ماههای قمری را در دستور کار خود قرار داد. در این دو کنگره به ویژه از اعتبار و عدم اعتبار حسابهای نجومی و هیوی بحث شد.

در سال ۱۹۹۹م سومین دوره شورای اروپایی افتا و پژوهش در شهر کلن آلمان به ریاست دکتر یوسف قرضاوی رئیس شورا برگزار شد. در این دوره بارزترین بحث چگونگی اثبات ماههای قمری به ویژه ماه رمضان و شوال بود. این شورا پس از بحث و بررسی در این زمینه مصوبه زیر را اعلام کرد:

«یثبت دخول شهر رمضان أو الخروج منه بالرؤية البصرية، سواء كانت بالعين المجردة أم بواسطة المراصد، إذا ثبت في أي بلد إسلامي بطريق شرعي معتبر... وهذا بشرط أن لا ينفى الحساب الفلكي العلمي القطعي إمكان الرؤية في أي قطر من الأقطار. فإذا جزم هذا الحساب باستحالة الرؤية المعتبرة شرعاً في أي بلد، فلا عبرة بشهادة الشهود التي لا تفيد القطع، و تحمل على الوهم أو الغلط أو الكذب، وذلك لأن شهادة الشهود ظنية، و جزم الحساب قطعي...»^۹

چند سال پیش که کنفرانس سران کشورهای اسلامی در ایران برگزار شد عربستان از ایران دعوت کرد تا در جلسه تقویم اسلامی که در جدّه ظاهراً به سال ۱۴۱۹، برقرار می‌شد شرکت کند. از این رو یکی از علما و مرحوم دکتر تقی عدالتی در آن جلسه شرکت کردند. هدف عربستان این بود که مکه مکرّمه را مرجع بدانند یعنی اگر در آنجا هلال رؤیت شد همان ملاک حلول ماه در همه کشورهای اسلامی باشد، ولی این طرح به نتیجه‌ای نرسید.^{۱۰}

این کنگره‌ها و مؤتمرات تاکنون نتیجه محسوسی نداشته است. دلیل آن هم یکی مسائل سیاسی است و دیگری اختلاف نظر و فتوا درباره معیارهای ثبوت رؤیت هلال و حلول ماههای قمری، در خصوص مسائل سیاسی، برخی کشورها مصالح سیاسی خود را بر معیارهای علمی و شرعی ثبوت هلال مقدم می‌شمارند.^{۱۱} از باب مثال در سال ۱۴۱۸ در مصر اعلام شد که آغاز ماه مبارک رمضان سه شنبه (= ۱۹/۹/۱۳۷۶ ش) است در حالی که ماه در مصر رؤیت نشده بود. از این رو بسیاری از روزنامه‌ها به این موضوع پرداختند و یکی از روزنامه‌نگاران مصری در نقد مفتی مصر شیخ نصر فرید نوشت:

«من حقّاً آن نرفض ما فعله الشيخ نصر فرید، فقد حوّل مصر إلى دولة تابعة... فأفسد علينا فرحتنا بشهر کریم جمیل يأتي كلّ عام ليجدنا على نفس الحال من الفوضى والارتباك وعدم احترام العلم وعدم احترام أنفسنا.»^{۱۲}

۱۰. ر.ک: تحقیقات اسلامی، سال ۱۵، شماره ۲ و سال ۱۶، شماره ۱، ص ۲۳۵، «میزگرد علمی».

۱۱. دکتر امیرحسین حسن در الأدلة الشرعية (ص ۷۱) می‌نویسد: «... رأينا كثيراً أن دولة ما تعلن بداية شهر رمضان فتبعتها عدّة دول أخرى؛ لأنّها تشترک معها في حلف أو اتحاد أو ما إلى ذلك... مع أنّ رؤية الدولة التي أخذوا برويتها رؤية خاطئة شرعاً».

۱۲. ر.ک: مجله النور، شماره ۸۱ (شوال ۱۴۱۸)، ص ۷۰، «هلال أو هلالان».

برخی از روزنامه‌های دیگر نیز به این موضوع پرداختند و الحیة مقاله‌ای با عنوان «معركة الرؤية في مصر» منتشر کرد.^{۱۳}

در باب اختلاف روشها و معیارهای ثبوت حلول ماههای قمری یکی از صاحب نظران، کشورهای اسلامی و مسلمان نشین را به هفت گروه تقسیم کرده و معتقد است برای تعیین آغاز ماه در این کشورها از هفت روش استفاده می‌شود که نتیجه اش اختلاف در تعیین شروع ماههاست.^{۱۴}

علاوه بر اینها، تاکنون دو گردهمایی تخصصی رؤیت هلال با شرکت دانشمندان داخلی و خارجی به اهتمام مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام در تهران برگزار شده است: یکی در روزهای هشتم و نهم آبان ۱۳۸۱ و دیگری در روزهای هشتم و نهم مهر ۱۳۸۳.

این گردهمایی دوسالانه است و قرار است هر دو سال یک بار برگزار شود و از جمله اهداف برگزاری آن بررسی علمی و فقهی راههای ثبوت حلول ماههای قمری، تدوین تقویم هجری هماهنگ برای همه کشورهای اسلامی و راهکارهای علمی کاهش اختلاف میان آراء فقیهان و منجمان در رؤیت هلال است. در این گردهماییها، استادان، محققان و متخصصان با عرضه مقالات خود به ارائه آخرین نظریات و دستاوردها در زمینه های فقهی و نجومی رؤیت هلال می‌پردازند.

در گردهمایی نخست حضرت حجة الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، در سخنرانی افتتاحیه اش گفت:

«... متأسفانه درباره تقویم هجری قمری، یعنی گاهشماری که

۱۳. الحیة، ۱/۲۲/۱۹۹۹.

۱۴. تحقیقات اسلامی، سال ۱۵، شماره ۲ و سال ۱۶، شماره ۱، ص ۷۳-۷۴، «علل ناهماهنگی کشورهای اسلامی».

زندگی دینی، فکری، اجتماعی، سنن و آداب ما بسیار بدان وابسته است. هنوز کارهای اساسی نشده است و تصور می‌کنم از پژوهشهای بسیار بسیار مهمی که شما محققان شروع کردید و همگان باید روی آن کار کنیم این است که درباره تقویم قمری عمیقاً تحقیق نماییم و یک تصمیم درست بگیریم ...

نخستین راهکار این است که جمعی از محققان علوم نجوم و هیئت و سایر دانشهای دخیل ... بحثهای خود را آماده نمایند. سپس با آن گروه از دانشمندان حوزه که هم از علوم هیئت و نجوم مطلع اند و هم مسائل شرعی را به خوبی می‌دانند، جلسات مشترک بگذارند. بعد هم درباره مجموعه نظریات به دست آمده با مراجع بحث و در آن تعمق کنند تا در نهایت امر راهکاری به دست آید. در انتها هم اگر برای ایران به نتیجه‌ای رسیدیم، کافی نیست و باید برای دنیای اسلام نیز فکری بکنیم ...

با ناهماهنگی نمی‌توان پیش رفت؛ زیرا مسائل بین‌المللی را مراکز خاص حل می‌کنند. برای مثال مگر می‌شود امروزه بدون ایکائو، هواپیمایی دنیا را اداره کرد؟ همچنین اگر مقررات کشتیرانی بین‌المللی نباشد، بی‌نظمی غیر قابل تصویری پیش می‌آید. همین‌طور مسئله ساعت که در مواردی حتی روی یک دهم ثانیه هم باید حساب کنیم و اگر چنین نباشد نظم بین‌المللی به هم می‌ریزد. اینها مسائلی است که دنیا (جوامع غربی) آنها را حل کرده است. در دنیای اسلام، بحث تقویم قمری یک موضوع بین‌المللی است ... در زمینه اجرا در میان کشورهای اسلامی نیز بهتر است مرکزی مانند

سازمان کنفرانس اسلامی متصدی امر شود. البته این سازمان

در حال حاضر انگیزه لازم را برای این مسئله ندارد...^{۱۵}

در این گردهمایی امور ذیل طی بیانیه ای مورد تأکید حاضران قرار گرفت:

۱. ضرورت برگزاری چنین همایشهای تخصصی، با هدف برطرف کردن ناهماهنگیهای تقویم قمری و چاره جویی نابسامانیهای پیش آمده در سالهای اخیر؛

۲. بهره گیری داهیهانه از دستاوردهای نجوم که به تأیید مراجع علمی جهانی رسیده است، بویژه در امر پیش بینی قابلیت یا عدم قابلیت رؤیت هلال؛

۳. ارائه تعریف جدید و کاملی از موضوع رؤیت هلال به لحاظ فقهی و ملاکهای اعتبار نتایج مشاهده یا رصد و نیز توسعه سرزمینی آن نتایج؛

۴. اهمیت دستیابی به تقویم قمری بر اساس ملاک واحد برای جهان اسلام؛

۵. شروع تحقیق در میراث علمی نجوم اسلامی و تداوم پژوهش در

میراث فقهی در زمینه رؤیت هلال؛^{۱۶}

۶. تشکیل شورای استهلال؛

۷. تقویت اطلاع رسانی عمومی درباره رؤیت هلال و تقویم هجری قمری

از طریق صدا و سیما و رسانه های جمعی دیگر، برای دستیابی به وحدت نظر و کاهش اختلافات؛

۸. تأسیس رصدخانه رسمی پشتیبان تقویم هجری قمری؛

۹. اجرای طرحهای پژوهشی کاربردی در زمینه های فقهی و نجومی برای

۱۵. تحقیقات اسلامی، سال ۱۵، شماره ۲ و سال ۱۶، شماره ۱، ص ۲۵-۲۹، رؤیت هلال؛ مشکلات و راه حلها.

۱۶. چون چند سال پیش از این، کار میراث فقهی (۲): رؤیت هلال شروع شده بود در بیانیه بر تداوم آن تأکید شد. در این گردهمایی، از میراث فقهی به عنوان «کاری بسیار جالب که می تواند به روشن شدن بسیاری از نکات کمک کند» یاد شد.

روشن شدن نقاط مبهم و دستیابی به اطلاعات و نرم افزارهای تسهیل‌کننده رؤیت هلال.

۱۰. بزرگداشت مقام علمی مرحوم استاد هبة‌الله ذوالفقون و اهدای جایزه‌ای به نام ایشان به طور مستمر به افرادی که در زمینه رؤیت هلال فعالیت بارزی داشته‌اند. ۱۷

مقالات و مباحث این دو گروه‌هایی انصافاً جالب و راهگشا و برای مثل بنده بسیار مفید بود و اظهار نظر فقهی در باب رؤیت هلال بدون اطلاع از بسیاری از مباحث مطرح شده در آن مصیب نخواهد بود. گزیدهٔ اولین گروه‌هایی در مجموعه‌ای چاپ شده است که در جلد پنجم رؤیت هلال «بخش ششم: کتابشناسی رؤیت هلال» معرفی خواهد شد.

متأسفانه آنچنان که باید و شاید حوزویان در این جلسات مهم حضور نداشتند. در حالی که اساساً برگزاری چنین همایش‌هایی وظیفهٔ حوزه است. اگر مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام گروه‌هایی را در قم برگزار کند، نتایج بیشتری عاید خواهد شد. به هر حال، این اقدامی میمون و مبارک است و إن شاء الله سبحانه پیامدهای خوبی خواهد داشت.

راه حلها

چنان که می‌دانیم تاکنون از تلاشهای مذکور نتیجهٔ محسوسی عاید نشده است، بلکه گاهی اختلافها تشدید هم شده است، البته به طور طبیعی و نه به سبب این تلاشها، تنظیم تقویم قمری هماهنگ و با ضابطهٔ یکسان و ملاک واحد برای همهٔ کشورهای اسلامی هرچند دست‌یافتنی، ولی قدری بلندپروازانه است. در وهلهٔ اول اگر بتوانیم در مناطق و شهرهای شیعه‌نشین این تشنگی و اختلاف و

۱۷. رك: تحقیقات اسلامی، سال ۱۵، شماره ۱ و سال ۱۶، شماره ۲، ص ۲۳۷-۲۴۳.

«میزگرد علمی».

معرکه عظمی را بر طرف کنیم یا کاهش دهیم به مذهب تشیع و صاحب مذهب حضرت صادق (صلوات الله و سلامه علیه) خدمت بزرگی کرده ایم. اختلاف در یک شهر یا یک کشور شیعه نشین تاکنون اتفاق افتاده که بدون اینکه کسی را مقصّر بدانیم انصافاً مایه شرمساری و سبب و هن مذهب متعالی تشیع شده است مانند ماجرای عید فطر سال ۱۳۹۶ در تهران - که در باب اول گذشت - و سال ۱۴۱۲ و ۱۴۲۴ در ایران، و سال ۱۴۱۹ در لبنان.

در گذشته اگر اختلافی در ثبوت هلال رخ می داد و مثلاً در بوشهر روز شنبه و در تهران روز یک شنبه رؤیت هلال ثابت می شد به دلیل نبود ارتباطات، به جایی لطمه نمی خورد. مردم هم به وظیفه شرعی خود عمل کرده، و مثاب و مأجور بودند. ولی امروزه که این گونه حوادث طی چند دقیقه به اطلاع مردم دنیا می رسد و به دست فتنه گران بهانه می دهد و سبب و هن مذهب و روحانیت و مستی اعتقادات مسلمانان و ریشخند دشمنان می گردد، چنین مسامحتاتی روا نیست. از سوی دیگر هزاران نفر در سرتاسر عالم مسائل مربوط به هلال را به انگیزه های گوناگون دنبال می کنند و گاهی اتفاق افتاده است که ما زمانی را اول ماه دانسته ایم که هنوز ماه به مقارنه نرسیده بوده است - مانند ماه شوال ۱۴۱۹ - و اهل فن و آشنایان به نجوم و هیئت را به تعجب واداشته ایم!

ظریفی می گفت: برای پی اعتبار کردن مذهب، هیچ چیز کارآمدتر از این نیست که در شهری مثل قم یا مشهد، عده ای نماز عید فطر بخوانند و عده ای روزه باشند. گروهی روزه را واجب بدانند و جمعی بساط چای و شیرینی و شربت بگسترانند.^{۱۸} روشن است که حتی بدون اینکه شخص خاص یا تشکیلاتی در این بین مقصّر باشد حنظل اختلاف چنین ثمره تلخی به بار می آورد.

۱۸. در سال ۱۴۲۴ روز سی ام ماه مبارک در برخی دبیرستانها به دانش آموزان گفته بودند کسانی که مقلد فلان مرجعند روزه خود را بخورند و مقلدان فلان مرجع همچنان روزه باشند!

پس برای رفع آن - که هر سال ممکن است رخ دهد و در شامگاه ۲۹ ماههای مبارک بسیاری را نگران می‌کند به طوری که با دلهره و اضطراب و ناراحتی آن شب را به صبح می‌آورند - باید چاره‌جویی کرد. چاره هم منحصر است به بررسی مناشئ اختلاف و برطرف کردن علمی و عملی آن.

الف) راه حل علمی

برای دستیابی به راه حلی علمی نخست باید مناشئ اختلاف را شناخت. منشأهای اختلاف در این زمینه عمده عبارت‌اند از اختلاف فتوا و نظر بین مراجع و عالمان شیعه (آدم الله إفاضاتهم الوافرة وأفاض علينا من برکات أنفاسهم القدسیة) در زمینه‌های ذیل:

۱. اشتراط یا عدم اشتراط اتحاد آفاق

مشهور میان فقهای شیعه و نیز معاصران از جمله حضرت امام خمینی -واقرب به صواب- اشتراط اتحاد آفاق است بدین معنی که با رؤیت هلال در یک نقطه، فقط در سایر نقاط هم افق با نقطه رؤیت، ماه حلول می‌کند نه در همه جای کره زمین.

در قبال این نظر عده‌ای هم قائل به اشتراط اتحاد آفاق نیستند. این عده به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- بعضی می‌گویند رؤیت هلال در یک نقطه برای حلول ماه نو در سایر نقاط کره زمین هم کافی است؛ مانند آیه‌الله شهید سید محمدباقر صدر (ره).
- شماری می‌گویند رؤیت در یک نقطه برای سایر نقاطی که در جزئی از شب با نقطه رؤیت مشترکند کافی است، نه مطلقاً و برای همه کره زمین، مانند آیه‌الله خوئی (ره).

- برخی تفصیل دیگری می‌دهند و می‌گویند: رؤیت در نقطه‌ای از

قاره‌های آسیا، آفریقا و اروپا فقط برای جاهایی حجت است که جزء این سه قاره باشند ولی رؤیت در این سه قاره برای قاره‌های آمریکا و اقیانوسیه حجت نیست. رؤیت در قاره‌های آمریکا و اقیانوسیه هم فقط برای تمام مناطق این دو قاره معتبر است نه سه قاره دیگر. ۱۹

۲. اعتبار یا عدم اعتبار رؤیت با چشم مسلح

مشهور میان فقهای معاصر از جمله حضرات آیات امام خمینی، خوئی و شهید صدر (ره) - و اقرب به صواب - عدم اعتبار رؤیت با چشم مسلح است؛ ولی برخی از مراجع معاصر (دامت برکاتهم) آن را برای ثبوت حلول ماه معتبر و کافی می‌دانند.

۳. اعتبار یا عدم اعتبار قول هیوی

مشهور میان فقها عدم اعتبار قول هیوی و فلکی برای حلول ماه است، ولی برخی حداقل در پاره‌ای از صور و هنگامی که منجمان اتفاق نظر داشته باشند، قول آنان را معتبر می‌دانند و اقرب به صواب هم همین نظر است، چنان که در باب سوم گذشت.

۴. اعتبار یا عدم اعتبار بینه

برخی صرف شهادت دو شاهد عادل به رؤیت هلال را برای ثبوت حلول ماه نو کافی می‌دانند، هر چند عدّه زیادی استهلال کرده و ماه را ندیده باشند؛ ولی بسیاری از فقها بر این باورند که با صاف بودن هوا و استهلال عدّه زیادی از مردم - مثلاً هزار نفر - نه تنها بینه بلکه اگر پنجاه نفر هم ادعای رؤیت کنند نیز

قولشان معتبر نیست. این عده می‌گویند: هنگامی که هوا صاف باشد و هزاران نفر در جستجوی هلال باشند، اگر هلال در آسمان باشد باید عده زیادی آن را ببینند، نه اینکه در کشور پهناوری مثل ایران با وجود صافی هوا فقط ۱۵ نفر ادعای رؤیت کنند!

در این فرض اگر خیلی خوش بین باشیم باید بگوییم این عده دچار توهم رؤیت شده‌اند. چنان که قبلاً گذشت ثابت شده است ۱۵٪ استهلال کنندگان دچار توهم رؤیت می‌شوند یعنی اگر ۳۰۰۰ نفر استهلال کنند و از بین آنها فقط ۴۵۰ نفر یا کمتر مدعی رؤیت شوند باز هم قولشان قابل قبول نیست. خصوصاً با توجه به اینکه عده زیادی از اهل فن و منجمان که از چند و چون وضع ماه و جایگاه آن آگاهند، و همه ماهه با دوربین و تلسکوپ استهلال می‌کنند، نتوانند هلال را ببینند؛ ولی چند شاهد عامی مدعی رؤیت شوند. در مقابل این گروه، برخی می‌گویند: ما کاری به علم نجوم نداریم و طبق روایت همین که دو شاهد عادل شهادت به رؤیت دهند می‌پذیریم.

مناشئ اصلی اختلاف همین امور است که گذشت، ولی گاهی هم ممکن است در عین وحدت نظر و فتوا، شاهدان نزد فقیهی به نحوی اطمینان بخش، شهادت بدهند و نزد فقیهی دیگر یا این عده شهادت ندهند یا اطمینانی برای فقیه حاصل نشود و در نتیجه اختلاف رخ دهد، که البته این فرض نادر است.

از امور چهارگانه منشأ اختلاف از همه مهمتر همان امر اولی یعنی اشتراط یا عدم اشتراط آفاق است که در هر دو طرف فتوا فقیهان برجسته ای هستند، هرچند مشهور اشتراط اتحاد آفاق است.

راه حل این مشکل کار علمی دقیق و مستمر و مباحثات فنی اهل نظر در هر یک از امور فوق است که مسلماً اگر به نفی اختلاف نینجامد، موجب کاهش آن می‌شود. در موضوعی به این اهمیت، نمی‌توان با اندک مطالعه ای نظر داد و بدون بررسی همه جانبه ادله طرفین، شتابناک و نسنجیده موضع گرفت. وقتی

فقیهی مانند آیه‌الله خوئی (ره) که سالهای متمادی به گونه‌ای که امروزه برای کمتر کسی اتفاق می‌افتد به تدریس فقه اشتغال داشتند و در آن محض بودند در نسبت دادن قول به عدم اشتراط اتحاد آفاق به دیگر فقیهان، دچار چندین خطا می‌شوند. چنان که در باب دوم گذشت. تکلیف ما روشن است.

بنابراین، با اشراف بر مسائلی از هیئت و نجوم که در فهم روایات و سخنان فقیهان مؤثر است و به سان بزرگانی امثال شهیدین، مولی احمد نراقی و سید ابوتراب خوانساری (ره)^{۲۰} باید وارد بحث شد و نمی‌توان با اندک اطلاعی از این امور و در حد مردم عامی و بحث بسیط، مدعی فهم روایات مربوط به بحث و متصدی اظهارنظر و رأی شد و گرنه آدمی در همان دامی می‌افتد که صاحب حدائق (ره) افتاد و با اینکه قرن‌ها پیش علامه حلّی و فرزندش فخرالدین و نیز شیخ بهائی کروی بودن زمین را اثبات کرده بودند،^{۲۱} صاحب حدائق - شاید به دلیل بی‌اعتنایی به علم هیئت و بر اثر ناآشنایی با آن - مدعی نفی کرویّت زمین شد و گفت: روایات صحیحیه بر سطح بودن زمین دلالت دارند! چنان که در باب دوم گذشت.^{۲۲}

بدین سان، با بررسی عمیق، منصفانه و همه‌جانبه - نه شتابناک و سریع و بدون اطلاع از مسلمات علم هیئت و نجوم - بسیاری از اختلافها رخت برمی‌بندد و در صورتی که اختلافی باقی بماند راه چاره این است که طبق یکی از دو نظر عمل شود. چون در هر دو طرف اختلاف، فقیهانی هستند مانند امام

۲۰. مثلاً آیه‌الله سید ابوتراب خوانساری روایات غیوبت هلال قبل و بعد از شفق را خیلی دقیق معنی کرده است و بعید است کسی که اطلاعی از علم هیئت ندارد بتواند مانند ایشان آنها را بفهمد. مشروح سخنان ایشان در جلد چهارم همین مجموعه (بخش سوم) خواهد آمد.

۲۱. رک: جمع پریشان، ج ۲، مقاله ۱۵.

۲۲. متن کامل سخن ایشان در جلد سوم همین مجموعه (بخش سوم) خواهد آمد.

راه حل این مشکل کار علمی دقیق و مستمر و مباحثات فنی اهل نظر در هر یک از امور فوق است که مسلماً اگر به نفی اختلاف نینجامد، موجب کاهش آن می‌شود. در موضوعی به این اهمیت، نمی‌توان با اندک مطالعه‌ای نظر داد و بدون بررسی همه جانبه ادله طرفین، شتابناک و نسنجیده موضع گرفت.

خمينی و آية الله خوئی و به هر یک از دو نظر که پس از بحث و بررسی و به نتیجه واحد نرسیدن، عمل شود، آن عمل بی دلیل و بدون حجت نخواهد بود. اگر مکلف در پاره‌ای از مسائل به نظر فقیه دیگر مساوی با مرجع تقلیدش عمل کند مجزی است و به فتوای بسیاری از فقیهان تبعیض در تقلید جایز است^{۲۳} و بر اثر آن عرش خدا به لرزه در نمی‌آید.

بنابراین، در خصوص مسائلی که اختلاف در آنها در جامعه بروز و ظهور شدیدی دارد مثل حلول ماه، برای حفظ آبروی مذهب تشیع اگر به نظر مشهور یا مطابق احتیاط - هر جا احتیاط ممکن و بی مشکل باشد - عمل شود به هیچ جا لطمه نمی‌خورد. خصوصاً با توجه به پیچیده بودن موضوع و استظهارهای

۲۳. فقیه مسلم صاحب عروه گوید: «إذا كان هناك مجتهدان متساويان في العلم، كان للمقلد تقليد أيهما شاء، ويجوز التبعض في المسائل، وإذا كان أحدهما أرجح من الآخر في العدالة، أو الورع أو نحو ذلك، فالأولى - بل الأحوط - اختياره» (العروة الوثقى، ج ۱، ص ۲۹-۳۰، مسأله ۳۳). همچنین فقیه متبحر صاحب وسیله گوید: «إذا كان مجتهدان متساويان في العلم يتخير العامي في الرجوع إلى أيهما، كما يجوز له التبعض في المسائل بأخذ بعضها من أحدهما وبعضها من الآخر» (وسيلة النجاة، ص ۱۰، مسأله ۸).

ظنی و مانند آن، هیچ کس نمی تواند آنقدر به نظر خود جازم باشد که عمل به نظر مشهور خلاف نظر خود را، مایه فسق و عمل نکردن به وظیفه بداند. می دانیم که در همین مسئله هلال، موضوعی که الآن بطلانش برای ما از بدیهیات است یعنی قول به عدد، در روزگاری طرفدارانی قرص و محکم مثل شیخ صدوق و شیخ مفید(ره) داشته است. پس چندان هم نباید نظری که با اینهمه مقدمات ظنی و استدلالی به دست می آید محکم و لایتغیر جلوه کند که اگر مکلفان به نظر عده زیادی از فقیهان - نظر مشهور - عمل کردند نه به نظر مقلد خود، قابل تحمل نباشد.

مشکل علمی دیگر که تنها بر اساس مبنای مشهور فقها رخ می نماید نه بر مبنای آیه الله خوئی و مانند ایشان یعنی عدم اشتراط اتحاد آفاق، این است که معمولاً در سراسر ایران و دیگر کشورهای اسلامی یک روز عید و اول ماه قمری اعلام می شود، در حالی که در برخی از ماهها، هلال فقط در قسمتی از کشور قابل رؤیت است نه همه آن. بنابراین، بر مبنای کسانی که می گویند اگر هلال در نقطه ای رؤیت شد فقط در نقاط هم افق آن ماه حلول می کنند نه سایر نقاط، باید در قسمتی از کشور یک روز، و در قسمت دیگر روز بعد اول ماه باشد. مثلاً هلال اگر در اهواز رؤیت شد و در مشهد اصلاً قابلیت رؤیت نداشت آیا می توان در ایران یک روز را عید اعلام کرد؟ استفاده از تلسکوپ و دوربین و معتبر دانستن آن هم این مشکل را حل نمی کند؛ زیرا مثلاً در شامگاه ۲۹ شعبان ۱۴۲۳ برابر با ۱۴ آبان ۱۳۸۱، خط رؤیت هلال ماه مبارك رمضان با چشم مسلح از شهر آبادان در استان خوزستان و روستای بیگدگ در استان سیستان و بلوچستان عبور می کرد؛ یعنی برای همه نقاط پایینی خط رؤیت هلال مذکور، هلال تنها با چشم مسلح رؤیت پذیر، و در نقاط فوقانی خط مذکور حتی با چشم مسلح رؤیت ناپذیر بود.^{۲۴}

۲۴. رك: تحقیقات اسلامی، سال ۱۵، شماره ۲ و سال ۱۶، شماره ۱، ص ۹۱-۹۳،

بنابراین، با اعتبار رؤیت با چشم مسلح هم این مشکل حل نمی‌شود. اما بر مبنای مرحوم آیه‌الله خوئی (ره) در این زمینه مشکلی وجود ندارد. باید دید طبق مبنای دیگران چه باید کرد. آیا حاکم اسلامی، برای رعایت مصلحتی این چنین با اهمیت، می‌تواند در چنین مواقعی بر طبق مسلک غیر مشهور- و برخلاف نظر خود- در سراسر کشور یک روز را عید اعلام کند؟

برای کاهش اختلاف بین کشورهای اسلامی در اعلام اعیاد- و نیز به دلایلی دیگر- برخی تدوین تقویم هماهنگ اسلامی برای همه جهان براساس ماههای قمری را پیشنهاد کرده‌اند:

«... برای تدوین «تقویم اسلامی» مبتنی بر ماههای قمری می‌توان آغاز ماه را در منطقه ای که هلال در آن قابل رؤیت است اختیار کرد. سپس در مناطقی که هلال در همان زمان رؤیت پذیر نیست شروع ماه را به روز بعد موکول ساخت. به این ترتیب، تکلیف تقویم اسلامی در اغلب نقاط زمین به طور هماهنگ روشن خواهد شد. برای نوار عدم قطعیت نیز راه حل مناسب آن است که ابتدا با چشم مسلح، ضخامت آن را به کمترین مقدار رساند. آن گاه با استفاده از داده‌های تجربی و رصدهای انجام شده گذشته محتمل‌ترین حالت را انتخاب کرده سپس در مرحله آخر تعیین تکلیف قطعی را در محدوده این نوار به استهلال واگذارد. چنین تقویم هماهنگی را می‌توان هر ساله به صورت دقیق‌تری تنظیم کرد...»^{۲۵}

این نحوه تدوین براساس مبنای مشهور فقهای شیعه است و اگر ممکن و

عملی باشد خدمت بزرگی است و چنان که در همین باب گذشت سالها پیش دکتر محمد الیاس نیز آن را پیشنهاد کرده است. می دانیم که امروزه تقویم میلادی تقویمی جهانی است و مورد استفاده همه مسیحیان و گاه مورد استفاده غالب ادیان دیگر هم واقع می شود. نکته مهم اینکه تصحیح کننده این تقویم یک روحانی مسیحی در بیش از چهارصد سال پیش یعنی در سال ۱۵۸۲ م است. وی حساب دقیقی را پایه گذاری کرد و مبنای تقویم میلادی قرار داد که براساس آن اختلافی در تقویم به وجود نیاید.^{۲۶}

آنچه تاکنون ذکر شد برخی از راههای علمی کاهش یا رفع اختلاف بود. اکنون به راه عملی آن می پردازیم.

ب) راه حل عملی

برخی از عالمان با درایت در دوران گذشته با تدبیر و استفاده از شیوه هایی مناسب و عملی مانع بروز چنین اختلافهایی می شدند که می تواند امروزه برای ما آموزنده و راهگشا باشد. از باب نمونه عالم معروف و متنفذ تبریز در عصر ناصرالدین شاه، حاج میرزا جواد آقا مجتهد تبریزی (م ۱۳۱۳) که در المآثر والآثار اعتماد السلطنه درباره اش آمده است:

«حاج میرزا جواد آقا مجتهد و امام جمعه دارالسلطنه تبریز، سلسله ایشان در تمام آذربایجان به ریاست کلیه و مطاعیت عامه ممتاز است. این بزرگوار در علم فقه و اصول از جمله فحول محسوب می گردد و در حدیث و تفسیر و رجال و کلام نیز نخستین شخص تبریز است، بلکه تمام آذربایجان؛ و اعتبارش در دین و دولت و اقتدارش در ملک و ملت محتاج بیان نیست.»^{۲۷}

۲۶. رك: بررسی علمی-فقهی مسأله رؤیت هلال، ص «۶۴».

۲۷. المآثر والآثار، ص ۱۵۶.

ایشان همه ساله در شامگاه ۲۹ ماه رمضان علمای تبریز را در منزل خود مهمان می‌کرده و فطریه آنها را هم - بر فرض ثبوت رؤیت در آن شب - می‌پرداخته است، تا مدعیان رؤیت هلال و شهود در حضور همه علماء شهادت دهند و همه در ردّ و قبول شهادت شهود تصمیم یکسان بگیرند و در نتیجه اختلافی پیش نیاید. بر اثر این تدبیر اختلافی در تبریز بروز نمی‌کرده است.

اکنون نیز این تدبیر عملی است، بدین گونه که مجمعی مرکب از نمایندگان مراجع عظام (دامت برکاتهم)^{۲۸} تشکیل شود و گزارشهای رؤیت هلال در اختیار این مجمع قرار گیرد و راجع به تأیید یا ردّ گزارشها و شهادت شهود تصمیم واحدی گرفته شود و آنگاه نتیجه از طریق حکومت و نظام اسلامی به اطلاع مردم برسد.

در چنین مجمعی اگر فرضاً برای نمایندگان یکی دو نفر از مراجع حلول ماه و عید ثابت شدن برای دیگران، راه چاره این است که آن یکی دو نفر به وظیفه شخصی خود عمل کنند ولی برای حفظ هماهنگی و حرمت مذهب تشیع، ثبوت هلال نزد خود را اعلام نکنند و مردم را به افطار فرخوانند. چون حلول یا عدم حلول ماه از موضوعات است نه از احکام شرعی، و بیان آن برای مردم - فی نفسه - نه وجوب دارد نه استحباب، نه کمالی محسوب می‌شود و نه مایه منزلی عندالله است. بالاتر از این نیست که مرجعی خود به چشم خویش هلال شوال را رؤیت کند و هیچ کس دیگر نبیند و آن مرجع یا حکم حاکم را در حلول ماه معتبر نداند یا حکم نکند. در چنین فرضی، وظیفه شخصی اش افطار بر طبق رؤیت شخصی است و وظیفه مردم و مقلدانش روزه است و هر دو - هم

۲۸. البته برخی هم انگیزه‌ای برای دخالت در این موضوع ندارند و معتقدند اعلام حلول ماه یا عدم آن - فی نفسه - نه واجب است نه مستحب، نه اجر و ثوابی دارد نه مایه کمال است. فقط برای رفع تحیر مردم و بلا تکلیفی آنان است که آن هم وظیفه نظام اسلامی است.

مقلد هم خود وی - به وظیفه شرعی خود عمل کرده اند. باید برای مردم توضیح داد که ثبوت هلال ربطی به تقلید ندارد و ملازمه ای بین آنها نیست و ثبوت حلول ماه نزد مرجع به معنای ثبوت آن نزد مقلدانش نیست و همچنین است عکس آن.

بنابراین، اعلام حلول ماه از «خیرات» و «مغفرت» نیست که به مقتضای آیات شریفه فاستبقوا الخیرات^{۲۹} و سارعوا إلى مغفرة من ربکم^{۳۰} برای آن مسابقه دهیم و از همدیگر سبقت بجوییم و در آن تسرع کنیم.

سید محمد مجاهد در مصابیح فرعی را ذکر می کند که برای این بحث بسیار مناسب است. وی می نویسد:

«الخامس: هل يجوز له الاختفاء من الناس بقصد أن لا يثبت الهلال عنده أم يحرم ذلك؟ لم أجد مصرحاً بأحد الأمرين، ولكن احتمال الجواز في غاية القوة.»^{۳۱}

همچنین آیه الله سید محمد کاظم یزدی صاحب عروه در پاسخ به استفتائی، سخنی دارند که برای بحث ما کارساز است:

«سؤال: ما قولکم (دام ظلکم) سلخ رمضان بعد از ظهر معلوم شد که در مسجد مؤمنین قریب دوست [نفر از] مؤمنین به وجه تصدیق رؤیت، روزه را افطار کرده اند. زید این خیر [را] شنید، مگر آن که هیچ التفات نکرده، با نیت صوم به خانه خود نشست و به غرض تحقیق در آن مسجد که نصف میل فاصله داشت نرفت، این تقاعد و عدم تحقیق او به حد معصیت می رسد، یا خیر؟»

۲۹. بقره (۲): ۱۴۸.

۳۰. آل عمران (۳): ۱۳۲.

۳۱. رؤیت هلال، ج ۳، ص ۲۱۲.

جواب: اگر از آن خبر برای زید علم به ثبوت رؤیت هلال حاصل نشده باشد - چنانچه [چنان که] ظاهر سؤال است - با تقاعد و عدم تحقیق، روزه گرفتن معصیت نیست مادام که مطلب معلوم نشده است؛ چون فحوص از ثبوت رؤیت و عدم آن واجب نیست. و عمل به استصحاب بقاء شهر، یا بقاء و جوب صوم مانعی ندارد؛ زیرا که در جواز عمل به استصحاب در موضوعات، فحوص شرط نیست. کما این که در لیله، یا یوم ثلاثین از هلال شعبان نیز چنین است. پس جایز است به مقتضای استصحاب روزه نگیرد بدون فحوص. و از این باب است جواز خوردن و آشامیدن در سحر ماه مبارك، اگرچه شک داشته باشد در طلوع فجر و لازم نیست فحوص کند. بلی، اگر با عدم فحوص، خورد و بعد معلوم شد که صبح بوده قضاء آن روز واجب است؛ لکن حکم به عصیان او نمی شود. و این از باب استصحاب بقاء لیل و استصحاب جواز خوردن و آشامیدن است. حاصل این که عمل به استصحاب در موضوعات جایز است اگرچه تحصیل علم ممکن باشد. بلی، در صورت علم به اینکه اگر فحوص کند علم باحد الطرفين حاصل می شود بسهولة، احوط فحوص است؛ لامکان دعوی انصراف الأدلة عن هذه الصورة...

و از آنچه ذکر شد معلوم شد که استهلال کردن در شب سی ام شعبان و رمضان واجب نیست و قول به وجوب آن عیناً یا کفایةً از باب مقدمه صوم و افطار واجبین ضعیف است؛ لما ذکرنا من جریان الاستصحاب و عدم اشتراطه بالفحوص. بلی،

استحباب آن فی حدّ نفسه بعید نیست، اگرچه آن هم دلیل
واضحی ندارد سوای خیر عامی ... ۳۲*

علاوه بر آنچه ذکر شد برخی راه حل دیگری نیز پیشنهاد کرده اند که ظاهراً
کارساز نیست و آن استفاده از قمر مصنوعی و ماهواره است. دکتر نصر فرید واصل
مصر مفتی مصر گفته است ارسال ماهواره برای رصد تولد هلال در همه ماهها، از
استهلال روی کوههای بلند مؤثرتر است و وی این پیشنهاد را با علمای کشورهای
عربستان، تونس، امارات، اردن، قطر و لبنان در میان گذاشته و آنان آن را تأیید
کرده اند. برخی از استادان دانشکده الشریعه در ریاض نیز این موضوع را مطرح
کرده و گفته اند می توان با استفاده از ماهواره از طریق تلویزیون وضع خورشید و ماه
و نسبت آنها و ولادت هلال را مستقیماً بخش کرد تا همه مسلمانان ببینند. ۳۳
به هر حال، گویا این راه چندان کارآیی ندارد هرچند قابل بررسی است.
همچنین استفاده از هواپیما برای رؤیت نیز جای بحث است زیرا ظاهراً مراد از
رؤیت در احادیث رؤیت هلال رؤیت ناظر زمینی است نه رؤیت از فضا.
بنابراین رؤیت قمر مصنوعی، رؤیت معتبر نخواهد بود. همچنین است رؤیت
تلسکوپ هابل، چون در فضا است. افزون بر این، وضع ماه و خورشید و
لحظه مقارنه و خروج از محاق و مانند آن، همه با محاسبات قطعی هیئوی قابل
دسترسی است و برای آن نیازی به ماهواره نیست و با استفاده از نرم افزارهای
نجومی و سایت ناسا (سازمان فضایی ایالات متحده) به آسانی دانسته می شود.
در این سایت تصاویر نجومی که ماهواره های مختلف برداشته اند، رایگان و به
سرعت در اختیار کاربران قرار می گیرد.

*

۳۲. رؤیت هلال، ج ۴، ص ۲۴۷۲-۲۴۷۳.

۳۳. الشرق الأوسط، ۱/۲۵/۱۹۹۹م؛ چگونگیها و کاراییهای این طرح به طور مشروح
در روزنامه اللواء الإسلامي، مورخ ۱۹۹۹/۱۲/۶ آمده است.

امید است فقه پژوهان با استفاده از این منبع غنی و مجموعه سرشار به این گونه مباحث پردازند. در اینجا با نقل دوازده بیت از غدیریۀ غرّای ابن حجّاج بغدادی، شاعر ستایشگر اهل بیت (ع) در سدهٔ چهارم، این مقدمه را خاتمه می‌دهم و آن را مسکّی الختام می‌کنم:

یا صاحب القبة البيضاء في النجف	من زار قبرك واستشفى لديدك شفي
زوروا أبا الحسن الهادي لعلكم	تحظون بالأجر والإقبال والزلف
زوروا لمن تسمع النجوى لديه فمن	يزره بالقبر ملهوفاً لديه كفي
إذا وصلت فأحرم قبل تدخله	ملياً واسع سعيًا حوله وطف
حتى إذا طفت سبعا حول قبته	تأمل الباب تلقا وجهه فقف
وقل: سلام من الله السلام على	أهل السلام وأهل العلم والشرف
إني أتيتك يا مولاي من بلدي	مستمسكاً من جبال الحق بالطرف
راج بأتك يا مولاي تشفع لي	وتسقني من رحيق شافي اللهف
لأنك العروة الوثقى فمن علق	بها يداه فلن يشقى ولم يحف
و أن أسمائك الحسنى إذا تليت	على مريض شفي من سقمه الدنف
لأن شأنك شأن غير متقص	و أن نورك نور غير منكسف
و أنك الآية الكبرى التي ظهرت	للعارفين بأنواع من الطرف ^{۳۴}